

# زنان

سال ششم • خرداد ماه ۷۶ • ۶۸ صفحه • ۲۵۰ تومان

۳۵

● گفت و گو با  
تهمینه میلانی  
فیلمساز

● میزگردی دربارهٔ مهم‌ترین  
مسائل زنان ایران

● مردم دربارهٔ  
رئیس‌جمهور شدن زنان  
چگونه فکر می‌کنند؟

● تحمل حرف ناحق ندارم!



8 260000 335142

ISSN 1021-4034

# شامپوهای گیاهی با عصاره طبیعی

با عصاره گزنه  
از ریزش مو و شوره سر  
جلوگیری می نماید



با عصاره مورد  
از ریزش مو  
جلوگیری می نماید



با عصاره بابونه  
موها را نرم و براق و  
پوست را سالم نگه می دارد

با عصاره رزماری  
با نرم کنندگی طبیعی  
باعث افزایش رشد مو می شود

تلفن : ۸۶۶۸۲۷ ، فاکس : ۸۶۶۷۸۰



بجسب محصول یا کرخ را دو دستی

جوانی ، پیری هر سنی که هستی

# زنان

سال ششم شماره ۳۵ تیر ۷۶  
زنان نشریه‌ای است اجتماعی که یکبار در ماه منتشر می‌شود.



سرخوان

۲ ریشه‌ام از هوشیاری خورده آب...: مدیر مسئول

## گزارش و خبر

- ۳ بالأخره تکلیف رجال چیست؟: مرجان شیخ‌الاسلامی  
۴ ابهام‌ها باعث اشتباه مردم شده (گفت‌وگو با اعظم طالقانی)  
۶ مردم درباره رئیس‌جمهور شدن زنان چگونه فکر می‌کنند؟  
۳۶ کتاب، دانه‌ای صدتومان!؛ نازنین شاه‌رکنی  
۳۷ آیا در خلأ فریاد می‌زنم؟ (گفت‌وگو با شهلا لاهیجی، مدیر انتشارات روشنگران)  
۳۹ مشکلی وجود ندارد! (گفت‌وگو با فریده خلعتبری، مدیر انتشارات شب‌اوین)  
۴۰ زنان چه می‌خوانند، چه می‌خواهند؟  
۴۲ تبه‌یض موقوف!؛ آندره میشل، ترجمه محمد جعفر پوینده  
۴۸ غدار کیست؟ (گذری بر زخم‌های زلزله): منصوره شجاعی  
۴۹ از شما چند نفر مانده؟: لیلا میرمادی

۶۲ خبر

## حقوق

۷ آیا خطاب دین فقط به مردان است؟

- ۱۰ تفسیر «رجال» باید حقوقی باشد، نه سیاسی!؛ کامبیز نوروزی  
۱۲ جد پدری ولایت دارد، مادر ولایت ندارد!؛ مهرانگیز کار

ویراستار فنی: لیلا صمدی

طراح گرافیک: لیلی شرکت

- ۱۴ تحمل حرف ناحق ندارم! (گفت‌وگو با ته‌مین میلانی، فیلمساز)  
۲۲ جشنواره مغضوب (نگاهی به چهارمین جشنواره ویدئو و فیلم سوره): الهام خاکسار  
۲۳ شله‌زردی که ادویه کم داشت! (نگاهی به فیلم «کیسه برنج»): علیرضا خاکسار  
۲۴ ورای شکلی معقول (نقدی بر کتاب «تا سیاهی... در دام شاه»): کلی کمالی

حروفچین: صدیقه کردی

عکس و طرح روی جلد: محمدرضا شریفی‌نیا

۲۵ هرچه از دوست رسد...  
چاپ: چاپ گستر، تلفن: ۶۰۲۶۸۷۱

۲۸ مهم‌ترین مسائل زنان ایران چیست؟  
چاپ رنگی: آبان، تلفن: ۶۰۲۶۸۷۱

## ادبیات

- ۵۰ نوشتن، تنها آزادی باقی مانده: اریکا یانگ، ترجمه کلی امامی  
تلفن: ۸۸۳۳۲۴۹  
۵۲ آیا «در انتهای اندوه پنجره بازی هست»؟: حسن عابدینی  
فکس: ۸۸۳۹۶۷۴  
۵۳ چشمانم را نبند (شعر): ناهید کبیری  
شماره سریال بین‌المللی: ۴۰۵۴ - ۱۰۲۱  
۵۴ الهه برکت بر سریر خاک (۲): دکتر کتایون مردابور  
خدماتی آگهی می‌پذیرد.  
۵۸ چه خانواده آرامی: آن کاسیدی، ترجمه شروین شمالی

زنان در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.

مطالب ارسالی بازگردانده نمی‌شود.

حقوق چاپ و انتشار، نقل مطالب، طرح‌ها و عکس‌ها

برای مجله زنان محفوظ است.

License Holder & Editorial Director:

Shahla Sherkat

Zanan is a Persian - language journal

published monthly

Each issue contains articles and reports

related to the women's issues.

# ریشه‌ام از هوشیاری خورده آب...

ریشه‌ام از هوشیاری خورده آب  
من کجند خاک ذراوشی کججا؟

برای آنها فرستادیم. یکی از آنها بالاخره پاسخ ما را داد و دیگری خیر. اکثر سؤالات مشابه بود و مابقی براساس شایعاتی که در روزهای داغ انتخابات در مورد آنان منتشر بود، تنظیم شده بود و نه واقعاً براساس ذهنیت ما از آنها.

اما بعد از انتشار، آنهایی که از قضا در نشریات خود و گروه‌های همسویان هیچ اسلحه سرد و گرمی را برای ترور شخصیت نامزد رقیب فرونگذاشتند، با شیوه مانوس خویش باران سیاه افترا و دشنام را بر ما روانه و امر به تعطیلی کار ما کردند و مثل همیشه فکر نکردند که بر سر شاخ بن می‌برند و تحریک دم‌بدم مراجع مربوطه به تعطیلی نشریات قانونی، آتش‌افروزی کودکانه‌ای است که روزی دامن خودشان را نیز خواهد گرفت. گرچه پیش از این، خود را بچه‌های عزیز کرده نظام می‌دانستند و ممنوعات را برای خود مجاز و مکروهات را مباح و گناه مستحب. آنها عملاً اذعان می‌کردند که استفاده رقیب از رسانه‌های دولتی برای تبلیغات انتخاباتی حرام است اما بهره‌جویی آنها از مهم‌ترین این رسانه‌ها برای تخریب و تهدید رقیب، حلالاً سؤال بدون پاسخ منتشر کردن از سوی بعضی ناصواب است و از ناحیه آنها ثواب!

و شاید امروز که تب‌های تند فرو نشسته، بتوان از آنها پرسید که: آیا واقعاً در آن روزهای تاریخی صدای مردم را شنیدید که می‌گفتند: «وای به روزی که به قدرت دست پیدا کنید؟» و ما حالا که آنها از آسیاب ریخته به نامزد محترم جناح شما اعلام می‌کنیم که مرام «زنان» هرگز توهین و تحقیر نبوده است و همواره طالب جدی به رسمیت شناخته شدن آزادی‌های فردی و اجتماعی است و پرسش‌های بی‌پاسخ، همان‌ها بود که برای مردم مطرح بود یا به صورت شایعاتی در مژده ایشان وجود داشت. «زنان» فرصتی را ایجاد کرد تا به آنها پاسخ دهند و تأیید و یا ردشان کنند اما متأسفانه اطرافیان ایشان امکان استفاده از این فرصت را فراهم نکردند. از این‌رو با اطلاع و موافقت مسئولان ستاد انتخاباتی‌شان پرسش را چاپ کردیم تا خواننده تصور نکند قصد گفت‌وگو با ایشان را نداشته‌ایم. حتی بعد از انتشار شماره ۳۴ «زنان» نیز با وجود فضایی که علیه این پرسش‌ها ساختند، بار دیگر پیشنهاد گفت‌وگویی به ستاد مربوطه دادیم که باز رد شد. با این همه، اگر از این پرسش‌ها کمترین شائبه آهانتی برخیزد، «زنان» به دلیل تأکید جدی بر رعایت اخلاق و احترام افراد، هیچ پرهیزی از پوزش‌خواهی ندارد. اما واقعیت این است که آنچه سبب زمین خوردن ما آدم‌ها می‌شود، خندیدن یک عابر نیست بلکه کفش گشاد است و زمین ناهموار و حواس پرت. علت اشتباه در آمدن بعضی پیش‌بینی‌های جزئی، نه طرح چند پرسش صمیمانه در یک نشریه چند هزار تیراژی، بلکه برخوردهای عاری از اخلاق‌مندی، تبلیغات سلطه‌جویانه و هتک حرمت حریف در رسانه‌هایی با تیراژ چندمیلیونی بود و گرچه دوستان با نیت عمل به تکلیف، این چنین تند راندند اما نمی‌دانم این را خدمت هواداران یک مرد سیاسی به او می‌توان قلمداد کرد یا خیانت آنان؟!

مدیر مسئول

این مضمون حادثه‌ای بود که مردم ما با کیاست و شکیبایی آفریدند. در هیچ جای تاریخ و کسانی، در سکوت، این همه سخن نگفته بودند و این چنین حرف آخر و همیشه را! و حالا دیگر کسی نقش و نفس خود را در آینه «مردم» نمی‌بیند و مختصات «ملت» را با متر و میزان خود رسم نمی‌کند. حالا همه خوب می‌دانند که این رود خروشان طول و عرض خویش را خود تعیین می‌کند و به هنگام آرام می‌خزد و ناهنگام، می‌خیزد و می‌خروشد. پس هر که مانع آن شود، باید قیمت گزاف سد این معبر را بپردازد. چنان‌که دیدیم نظام نیز برای تحکیم پایه‌های مشروعیتش در این زمینه از خود هوشیاری نشان داد و مادام که در تحکیم و گسترش این پایه‌ها سنجیده عمل کند، قدردانی مردم را از انعطاف و همراهی خود تداوم می‌بخشد و از این پس مطمئن خواهد بود که در میان بیست میلیون نیروی بسیج شده برای این انتخاب آگاهانه، ضدانقلاب وجود نخواهد داشت. در این انتخابات مردم دریافتند که با قهر روشنفکرانه نمی‌توان سیاست را از زندگی حذف کرد و با بدگمانی و پیش‌داوری نمی‌شود از میدان کنار کشید؛ هزینه‌ها و مسئولیت انتخاب را به عهده دیگران گذاشت و در عین حال از فایده‌های آن سود برد. آنان، این‌بار، با هوشیاری و درک درست از مناسبات سیاسی، احتمال یک‌قطبی شدن جامعه را منتفی کردند؛ آن هم با چنان تعاون و تعاملی که ظرف چند ماه، قطعی‌ترین معادله‌های متصور را درهم ریختند. یعنی که هیچ قدرتی را به قلمرو اراده و انتخاب آنان امکان دست‌اندازی نیست. این اقتدار در عین حال که به نوعی نظام را بیمه می‌کند، نیروی پاسدارانده‌ای در حیات سیاسی مردم و حوزه شهروندی آنان است.

در این انتخابات گروه‌های سیاسی نیز تجارب گران‌قدری آموختند، چه آنها که بنیان تبلیغانشان بر آزادی‌های فردی، بردباری سیاسی و اخلاق دینی بود و چه آنها که با روش‌های حذفی، تخریبی و حتی ایدایی به دنبال نتیجه مطلوب خود بودند و با غفلت از درک هوشمندانه مردم از این هر دو رفتار، بر ضد خود عمل کردند؛ گرچه هنوز هم نه تنها ناصافی‌ها و ناراستی‌های خود را انکار می‌کنند بلکه همه را بر کیش خود می‌پندارند و تأثیر مثلاً چند پرسش بی‌پاسخ در مجله «زنان» را چنان گسترده و مخرب و نافی مقدسات جلوه می‌دهند که آدمی درباره این همه نفوذ نامکشوفی! خود دچار شگفتی می‌شود.

موضوع از این قرار بود: «زنان»، مثل هر نشریه دیگری در جست‌وجوی سوزهای روزآمد، تصمیم گرفت با نامزدهای شاخص ریاست‌جمهوری مصاحبه کند تا مخاطبان خود را برای شناخت بیشتر نامزدها و اعلام رأی سنجیده‌تر کمک کند. بنا هم نبود که خطی و جناحی برخورد شود. ما برای سه نفر از آقایان درخواست مصاحبه فرستادیم. یکی از ایشان در سفر حج بود و پاسخ ما معلوم. بنابراین کار دوندگی به دنبال دو دیگر را شروع کردیم و سؤالات را



# بالآخره تکلیف رجال چیست؟

مرجان شیخ الاسلامی

که اعضای محترم شورای نگهبان از علما، فقها و کارشناسان اسلامی بوده‌اند و ما در فقه دلیل متقنی که بگوید زن نباید رئیس‌جمهور شود نداریم.

بنابراین، در رئیس‌جمهور شدن زنان مشکل فقهی نمی‌بینیم.

## مدیریت اجرایی زنان مسئله عجیبی نیست!

سهیلا جلودارزاده ● نمایندهٔ مجلس



به‌نظر نمی‌رسد به عهده گرفتن مدیریت‌های اجرایی

ریاست‌جمهوری لازم است باشد، حال چه زن باشد چه مرد فرقی نمی‌کند، می‌تواند رئیس‌جمهور شود.

مهم این است که خصوصیتی را که در قانون آمده است داشته باشد.

بحث ریاست‌جمهوری زنان بحثی کاملاً عرفی است.

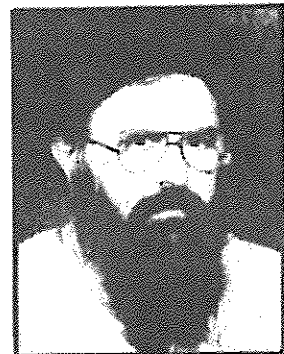
هرگاه زنان به آن درجه از کمال، آگاهی و رشد اجتماعی رسیده باشند که این ویژگی‌ها را در خود ایجاد کنند، مشکلی برای رئیس‌جمهور شدن ندارند.

منظور از «رجال» نیز، که در اصل ۱۱۵ قانون اساسی آمده، به‌هیچ‌وجه «مردان» نیست چرا که رجال کلمه‌ای عربی است که فقط به معنی مردان نیست و به معنی شخصیت‌ها، بزرگان و برجستگان است. در قانون اساسی نیز اگر منظور نظر مردان بود، دیگر لزومی به استفاده از کلمهٔ رجال وجود نداشت و مستقیماً از کلمهٔ مردان استفاده می‌شد چرا که در تدوین قانون، حال هر قانونی که باشد، نباید قانونگذار بیانی به کار ببرد که ابهام و اجمال داشته باشد. اگر نظر قانونگذاران واقعاً این بود که ریاست‌جمهوری فقط مختص مردان است و زنان چنین حقی ندارند، این مسئله دیگر هیچ ابهامی نداشت و حال که «رجال» آمده، پس مستفاد می‌شود که منظور مردان نبوده است. مضافاً بر این

تب انتخابات سرد شده اما هنوز تکلیف رجال، روشن نشده است. هنوز معلوم نیست زن می‌تواند رئیس‌جمهور شود یا نه. ما سؤال کتبی خود را در این باره برای شورای نگهبان فرستاده‌ایم اما پاسخی دریافت نکرده‌ایم. یعنی هنوز به‌صراحت اعلام نشده که جنسیت زنان مانع رئیس‌جمهور شدن آنان است. ما این سکوت را به فال نیک می‌گیریم و برای این‌که تا رسیدن به پاسخ قطعی، باب بحث باز بماند، نظر چند تن از رجال، مذهبی و سیاسی را در این باره می‌خوانیم: ﴿﴾

## بحث ریاست‌جمهوری زنان کاملاً عرفی است

آیت‌الله موسوی بجنوردی ● فقیه



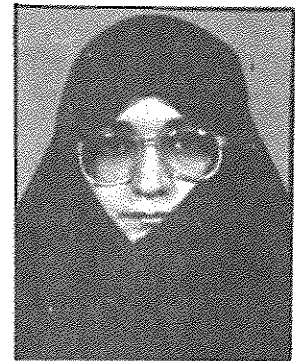
اگر کسی واجد شرایطی که برای احراز

توسط زنان مسئله عجیبی باشد یا خلاف شرع و عرف قلمداد شود. این که در ارتباط با قانون اساسی و شورای نگهبان مسائلی پیش آمده و ابهاماتی وجود دارد، نشان می‌دهد که قانونگذاران در ابتدا و در مذاکرات قبلی خود بر مرد بودن رئیس‌جمهور نیز نظر داشته‌اند اما بعد، با توجه به قابلیت‌هایی که زنان از خود نشان دادند، این مسئله جای بررسی بیشتری پیدا کرده است.

به نظر من هیچ مشکلی برای ریاست‌جمهوری زنان وجود ندارد، نه عرفی و نه شرعی. آنچه مهم است، این است که زنان باید برای رسیدن به این مرحله قابلیت‌ها و تجربیات مدیریتی کافی پیدا کنند تا مصداق رجال سیاسی و مذهبی قرار بگیرند. البته با آن تفسیری که خود ما از رجال سیاسی و مذهبی داریم. ما باید به آن حد از توانایی برسیم که اگر خواستیم زنانی را برای ریاست‌جمهوری معرفی و انتخاب کنیم، کسانی باشند که بتوانند از عهده این مسئولیت برآیند و برای این کار بهتر است از مدیریت‌هایی مثل وزارت شروع کنیم.

## زنان ما نیز توانایی رئیس‌جمهور شدن دارند

فاطمه رمضانزاده ● نماینده مجلس



با توجه به آشنایی که با اسلام و شرع دارم، مسلم است که مقصود از کلمه «رجال» نمی‌تواند فقط مردان باشد و به‌طور کلی زنان را هم، به شرط آن‌که جزء شخصیت‌های ممتاز سیاسی - اجتماعی باشند، شامل می‌شود. مضافاً بر آن، کلمه رجل از نظر عربی و قواعدی که در زبان عربی وجود دارد یک کلمه عام است و هم زنان و هم مردان را دربرمی‌گیرد.

اگر به بحث‌هایی که در زمان تدوین قانون اساسی انجام شده دقت کنیم، می‌بینیم که در نهایت علما و کارشناسان به این نتیجه رسیده‌اند که کلمه «رجال» آورده شود، با این‌که کلمه‌ای عربی است. دلیل آن هم این بوده که معنی کلی‌تری دارد و شامل افراد لایق از هر دو گروه می‌شود. امروز نیز با

توجه به بحث‌های مکرر و نقطه‌نظراتی که داده شده است به این نتیجه رسیده‌اند که در جامعه اسلامی اگر واقعاً زنان توانایی انجام کاری را داشته باشند، چه در حد مدیریت‌های کلان یا حتی در سطح ریاست‌جمهوری، از نظر شرعی معنی وجود ندارد.

آنچه مهم است، این است که ما هیچ‌گاه نباید تظاهر به قدرت کنیم. این درست است که زنان قابلیت‌های زیادی از خود نشان داده و می‌دهند اما بعضی از پست‌ها بسیار حساس و دقیق است و در مورد آنها زنان و مردان هر دو در معرض خطا هستند و با توجه به نقش و مسئولیت سنگینی که خانم‌ها دارند - از یک طرف مسئله تربیت کودکان و وظیفه مادری و از طرفی مسئولیت‌های اجرایی و اجتماعی - این نقش‌پذیری کلیدی از جانب زنان حساس‌تر هم خواهد شد.

ما هیچ‌گاه نمی‌گوییم هرافعالیتی که مردان می‌کنند زنان هم باید انجام دهند.

در حال حاضر ما فعالیت‌هایی را انجام می‌دهیم که آقایان توانایی آن را ندارند چون به هر روی مرد و زن مکمل یکدیگرند و نباید مقایسه ما از نوع مقایسه غرب باشد. به هر حال زنان ما نیز توانایی رئیس‌جمهور شدن را دارند و اگر ضرورتی پیدا شود، می‌توانند این مقام را احراز کنند.

## هنوز وقت هست که زن‌ها توانایی‌هایشان را باور کنند

نقیسه فیاض‌بخش ● نماینده مجلس



این‌که نه نفر از زنان برای این دوره از انتخابات ریاست‌جمهوری کاندید شدند، مسئله قابل توجه و قابل بحثی است. برای خود من مهم است که بدانم انگیزه و هدف آنها از این اقدام چه بوده و چه برنامه‌هایی را برای دوران ریاست‌جمهوری‌شان پیش‌بینی می‌کرده‌اند. اگرچه اسامی آنها اعلام نشد و جز خانم اعظم طالقانی، و خانم پیشگاهی‌فرد که انصراف دادند، اسم دیگری از کاندیداهای زن نبود اما مهم این بود که زنان به آن مرحله رسیده‌اند که

آمادگی خود را برای احراز مدیریت‌های کلیدی اعلام کنند.

اما ابهامی که در اصل ۱۱۵ قانون اساسی وجود دارد و در موقع انتخابات نیز شدیدتر از پیش مطرح شد و شاید شرایط ریاست‌جمهوری زنان را نیز زیر سؤال برد، مسئله «رجال» و آمدن این کلمه در اصل ۱۱۵ است. به نظر من مسئله رجال در حال حاضر به شکل شعاری مطرح می‌شود ولی ما باید این مسئله را علمی‌تر و با دقت بیشتری بررسی کنیم. این که شورای نگهبان هنوز تفسیری از این کلمه ارائه نکرده، شاید به این علت است که برای تفسیر هر اصلی از قانون اساسی باید این تفسیر به تصویب سه‌چهارم از اعضای شورای نگهبان برسد و این کار ساده‌ای نیست.

## ابهام‌ها باعث

### گفت‌وگو با

به دنبال نام زنان داوطلب ریاست‌جمهوری بودیم. اما همه جست‌وجوهایمان فقط به نام همان یک نفر ختم شد: اعظم طالقانی، و البته یک نفر دیگر که به‌طور غیررسمی نام او را دانستیم. بنابراین بعد از انتخابات دوباره به سراغ خانم طالقانی رفتیم تا از نتیجه تلاشش در این زمینه بپرسیم:

● شما یکی از زنان داوطلب ریاست‌جمهوری بودید. آیا بعد از اعلام نشدن اسامیان علت رد صلاحیت خود را جویا شدید؟

○ من خیلی پیگیر بودم، البته بیشتر از طریق شخصی. در نهایت هم به این نتیجه رسیدم که احتمالاً مرا به طور کلی خارج از نظام دولتی فرض کرده‌اند و گفته‌اند که مدیریت دولتی نداشته‌ام و نماینده مجلس بودن برای رئیس‌جمهور شدن کافی نیست. به هر حال، فکر می‌کنم اگر به این دلیل هم رد صلاحیت صورت می‌گرفت، جا داشت شورای محترم نگهبان اعلام کنند که این دست از رجال سیاسی و مذهبی بوده‌اند اما مدیر و مدبر نبوده‌اند. چون در رجال سیاسی بحث مدیریت نیست و مدیریت شرطی است که بعداً می‌آید، چنان‌که در اصل ۱۱۵ قانون اساسی آمده است: «رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی‌الصل، تابع



آنچه مسلم است، مسائل زنان هنوز جای کار دارد. هنوز وقت هست برای آنکه زنها توانایی‌هایشان را باور کنند، به‌ویژه در جهت احراز پُست‌های کلان مدیریتی و مدیریت کشوری.

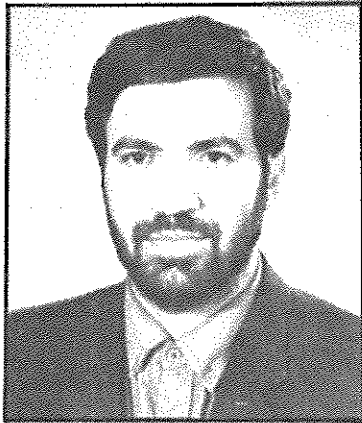
به نظر من رئیس‌جمهور شدن زنان هیچ مشکل فقهی و مذهبی ندارد و زنان نیز می‌توانند رئیس‌جمهور شوند. فکر می‌کنم اگر این قضیه کمی پخته‌تر شود و زنان نیز به تربیت قابلیت‌هایشان بپردازند، رأی بالایی نیز اخذ کنند. اما بهتر است قبل از ریاست‌جمهوری برای وزارت خانم‌ها فکری شود. باید روی این مسئله - ریاست‌جمهوری زنان - کار علمی و دقیقی انجام شود و زنان نیز آمادگی بیشتری در خود ایجاد کنند تا ان‌شاء... موفق شوند.

## باید به دنبال نظر تفسیری شورای نگهبان باشیم

عطاء... مهاجرانی ● معاون حقوقی و پارلمانی رئیس‌جمهور

تفسیر رجال سیاسی و مذهبی به‌عنده شورای نگهبان است و باید دوسوم شورا در مورد تفسیر قانون اساسی نظر بدهند. در این مورد هم تا به حال شورای نگهبان نظر تفسیری نداده است. اگر هم بعضی از فقها یا حقوقدانان نظری اعلام کرده‌اند، نظر شخصی خودشان بوده است. مذاکرات خبرگان

در مورد قانون اساسی هم که این اصل را در مورد انتخاب رئیس‌جمهور مطرح کرده‌اند اطلاعات دقیق و جدی به ما نمی‌دهد، یعنی بسیار کلی بحث کرده‌اند و نمی‌شود فهمید که واضعان قانون اساسی



و تصمیم‌گیرندگان در مورد این اصل منظورشان از رجال سیاسی و مذهبی فرد مذکر بوده یا رجل را به‌عنوان یک شخصیت مطرح کرده‌اند نه شخصی که به‌لحاظ جنسیتی مذکر است. به نظر من تا موقعی که نظر قطعی شورای نگهبان در مورد تفسیر این کلمه اعلام نشده، احتمال این که رجال سیاسی و مذهبی بتوانند شامل خانم‌ها هم بشود، احتمال بعیدی نیست. نکته دوم در مورد خانم‌هایی که در این دوره ریاست‌جمهوری صلاحیتشان رد شده، این که چون ویژگی‌های دیگری هم علاوه بر رجال سیاسی و مذهبی در قانون اساسی برای این مسئله مطرح شده، مثل مدیر و مدبر و... هیچ‌کدام از کاندیداهای فوق‌الذکر ظاهراً سابقه مدیریتی، سیاسی و اجرایی و فنی در جامعه نداشته‌اند و با توجه به این مسئله، عدم تأیید آنها طبیعی است. در ضمن باخیر هستید که بعد از انقلاب، برای خانم‌ها پُست‌های مدیریتی تا حد معاون وزیر نیز داشته‌ایم ولی محدود بوده است و حتی تا امروز در کابینه دولت هیچ خانمی نبوده است و نمی‌شود انتظار داشت خانم‌ها، که تا حال در سطوح کلیدی و مدیریت کلان سیاسی - اجتماعی نبودند، به این سرعت با نامزدی ریاست‌جمهوری آنها موافقت شود. پس، بنابراین، رد صلاحیت این خانم‌ها از باب جنسیت آنها نبوده است و به‌نظر من اگر ما در تعریف رجال سیاسی و مذهبی بپذیریم که این تعریف خانم‌ها و آقایان، هر دو را در برمی‌گیرد، هیچ‌کدام از خانم‌هایی که کاندید شدند دارای همه ویژگی‌های بمانند نبوده‌اند و سابقه مدیریت جدی هم نداشته‌اند. به‌نظر من خانم‌ها باید تلاش خود را در جهت رئیس‌جمهور شدن زنان به شکل جدی ادامه دهند، ضمن این که ما باید به دنبال نظر تفسیری شورای نگهبان در مورد اصل ۱۱۵ هم باشیم. چون نظر تفسیری می‌تواند خط روشنی باشد برای این که رجال سیاسی و مذهبی واقعاً چه کسانی هستند. در غیراین صورت شبهه و احتمال همچنان باقی است. ■



## اشتباه مردم شده

اعظم علایی طالقانی

جامعه باشیم و موجب گناه خود و جامعه شویم. آقایان باید با صراحت بیشتر مانع شوند که مردم از رسانه‌های خارجی اطلاع بگیرند. ● به نظر خودتان کلمه «رجال»، که در اصل ۱۱۵ قانون اساسی آمده، ریشه در منابع فقهی دارد؟ ○ خیر، کاملاً ریشه عربی دارد. به هر حال این حرکت‌ها، حرکت‌های فرهنگی - اجتماعی است. کلمه رجال حدود ۱۶ بار در قرآن مجید آمده که در ۱۱ مورد آن، با توجه به قریبه‌ها، حرف اضافه‌ها، صفت‌ها و... روشن می‌شود که منظور «زن و مرد» است. اما در چهار موردش کلی است و بحث جنسیت در آن وجود ندارد و منظور، نوع بشر است. ما این را در تمام زبان‌ها داریم. وقتی می‌خواهند بشر را خطاب کنند، انسان را با جنسیت مذکر عنوان می‌کنند؛ مثل Human در انگلیسی. مرحوم علامه طباطبایی می‌گوید: «انسان عاقل و انسانی که عقلش بیش از دیگران است رجال است.» یا توجه به تفسیرهایی که علما کرده‌اند و در فرهنگ لغت آمده، معنی اصطلاحی کلمه رجال به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند مردان باشد بلکه به معنی بزرگان، نجیبان، شخصیت‌ها و در واقع عقلای جامعه است. ■

ایران، مدیو و مدبو، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به بنیان جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور». می‌بینیم که اول شرط رجال مذهبی و سیاسی مطرح شده و بعد مدیریت. پس آیا باید نتیجه گرفت که شرط اول (رجال سیاسی و مذهبی) صادق بوده و به علت عدم مدیریت صلاحیت رد شده است؟ از سوی دیگر، سؤال ما از شورای نگهبان و دولت‌مردان این است که اولاً چه کسی یا چه نهادی باید تعریف کند که رجل سیاسی و مذهبی چه کسی است؟ ثانیاً تعریف رجل سیاسی و مذهبی چیست؟ و چرا تعریف جامعی از این عنوان وجود ندارد؟ ● همه‌جا صحبت از هشت زن دیگر دایوطلب ریاست‌جمهوری است که ناشناس باقی مانده‌اند. شما اساسی آنها را می‌دانید؟ ○ پیگیر شده‌ام اما هنوز اسمی به دست نیآورده‌ام. من چند احتمال می‌دهم، یکی این که چون در شریات مطرح نشدند، کسی آنها را نمی‌شناسد. عده‌ای هم می‌گویند آنها وجود خارجی نداشته‌اند، که البته الله اعلم. آنچه مسلم است، این است که خیلی چیزها در ابهام باقی مانده و این باعث شده که مردم به خطا و اشتباه بیفتند. چه خوب است که دولت‌مردان و نهادهای سیاسی ما از مواضع تهمت پرهیز کنند. ما نباید زمینه‌ساز این تهمت‌ها در



# مردم درباره رئیس‌جمهور شدن زنان چگونه فکر می‌کنند؟

از اتفاقات جالب در جریان انتخابات ریاست جمهوری هفتم، نامزدی نُه نفر از زنان برای شرکت در رقابت‌های انتخاباتی، بود. از میان این زنان، اعظم طالقانی با این گفت که «می‌خواهم تکلیف رجال را روشن کنم»، با استفاده از کوتاهی‌های زبان فارسی، از موانع ظاهراً قانونی موجود بر سر راه نامزدی زنان برای احراز کرسی ریاست جمهوری سخن به میان آورد. با رده صلاحیت این زنان از سوی شورای نگهبان، بار دیگر موضوع حق زنان برای کسب بالاترین مصادر اجرایی کشور مورد توجه قرار گرفت. از جمله مباحث مطرح در این زمینه این بود که مخالفت با ریاست جمهوری زنان ظاهراً بیش از آنکه ابعاد فقهی داشته باشد، جنبه عرفی دارد و اگر جنبه عرفی داشته باشد، باید دید عرف روزگار ما (در این مکان و این زمان) در این مورد چیست.

چنان‌که می‌دانیم، یکی از راه‌های دستیابی به عرف جاری در هر موضوع اجتماعی، مراجعه به پژوهش‌هایی است که در این موارد انجام می‌گیرد. خوشبختانه، بالا گرفتن کار رقابت نامزدهای ریاست جمهوری دوره اخیر، بازار نظرسنجی‌های مختلف را هم داغ کرد. در این میان عده‌ای نیز با اغراض سیاسی، و در هر حال با ضربه زدن به جنبه علمی پژوهش‌های اجتماعی، درصدد ارائه نظرسنجی‌های جعلی یا غیرعلمی برآمدند.

اگر از این نظرسنجی‌های دروغین صرف‌نظر کنیم، یکی از نظرسنجی‌هایی که با اختلاف ناچیز توانست آرای مردم تهران را در مورد آقایان خاتمی و ناطق نوری پیش‌بینی کند، کاری بود که «گروه سنجش افکار آینده، انجام داد. یکی از پرسش‌هایی که در نظرسنجی این گروه با مردم تهران در میان گذاشته شده بود، موافقت یا مخالفت آنان با رئیس‌جمهور شدن یک زن بود. با توجه به توفیق نسبی این نظرسنجی، بر آن شدیم نتایج حاصل از این پرسش را، که می‌تواند مبین گرایش مردم تهران در زمینه ریاست جمهوری زنان باشد، برای خوانندگان گزارش کنیم. به عبارت دیگر، نشان دهیم که عرف کنونی جامعه ما تا چه اندازه با رئیس‌جمهور شدن زنان موافق و تا چه اندازه مخالف است. خلاصه گزارش می‌دهیم که گروه

سنجش افکار آینده، در اختیار (زنان)، قرار داده از این قرار است: ■

نظر پاسخگویان در مورد رئیس‌جمهور شدن زنان:

● پوسن: بعضی‌ها با رئیس‌جمهور شدن یک زن موافقت، بعضی‌ها هم مخالف. در هر حال نظرهای مختلفی وجود دارد. شما چه نظری دارید؟

نظر	کل %	زنان %	مردان %
مخالفم (۱)	۳۸	۲۴	۳۱
فردی ندارم (۲)	۲۱	۳۲	۲۲
موافقم (۳)	۴۱	۴۲	۳۷
جمع (نماده)	(۱۸۸۳)۱۰۰	(۹۱۳)۱۰۰	(۸۷۰)۱۰۰
میانگین (۲)	۲/۰۳	۲/۱۴	۲/۰۶

۶۲ درصد از پاسخگویان (اعم از زن و مرد) با رئیس‌جمهور شدن زنان مخالفتی ندارند. در مقابل، ۳۸ درصد از پاسخگویان با رئیس‌جمهور شدن زنان مخالفند.

۷۴ درصد از زنان با رئیس‌جمهور شدن زنان مخالفتی ندارند و فقط ۲۶ درصد آنان با رئیس‌جمهور شدن زنان مخالفند.

چنان‌که انتظار می‌رود، میان جنسیت پاسخگویان و موافقت یا مخالفتشان با رئیس‌جمهور شدن زنان رابطه معنی‌داری وجود دارد. به احتمال بسیار زیاد ( $Sig=0/0000$ ) زنان بیش از مردان موافق رئیس‌جمهور شدن زنان هستند.

سن عامل مهمی در موافقت یا مخالفت پاسخگویان با رئیس‌جمهور شدن زنان بوده است. به احتمال بسیار زیاد ( $Sig=0/0019$ ) می‌توان گفت هرچه سن افراد کمتر باشد، موافقتشان با رئیس‌جمهور شدن زنان بیشتر است. جوانان (۱۵ تا ۳۰ سال) بیش از میانسالان (۳۰ تا ۵۰ سال) و میانسالان بیش از کهنسالان (بیشتر از ۵۰ سال) با رئیس‌جمهور شدن زنان موافقت می‌کنند.

✓ عامل سن در مورد زنان با تأیید بیشتری عمل می‌کند. به احتمال زیادتری ( $Sig=0/0000$ ) زنان جوان‌تر بیش از زنان میانسال و کهنسال با رئیس‌جمهور شدن زنان موافقت می‌کنند.

✓ تأهل و مجرد پاسخگویان (اعم از مرد و زن) تأثیری در موافقت و مخالفتشان با رئیس‌جمهور شدن زنان نداشته است.

✓ اما زنان مجرد به احتمال بسیار زیاد ( $Sig=0/0002$ ) بیشتر از زنان متأهل با رئیس‌جمهور شدن زنان موافقت می‌کنند.

✓ فرزندان خانواده‌ها (اعم از دختر و پسر) بیش از والدین (پدر و مادر) با رئیس‌جمهور شدن زنان موافقت ( $Sig=0/0002$ ) می‌کنند.

✓ فرزندان دختر خانواده‌ها بیش از والدینشان با رئیس‌جمهور شدن زنان موافقت ( $Sig=0/0000$ ) می‌کنند.

✓ میزان سواد و اشتغال پاسخگویان (اعم از مرد و زن) مبین رابطه معنی‌داری با نظر آنان در مورد رئیس‌جمهور شدن زنان نیست. این موضوع در مورد سواد و اشتغال زنان نیز صادق است.

✓ حتی اگر فقط زنان شاغل و خانه‌دار را هم در نظر بگیریم، نمی‌توان رابطه معنی‌داری میان نظر آنان در مورد رئیس‌جمهور شدن زنان با نحوه اشتغالشان مشاهده کرد.

\* به طور کلی می‌توان گفت تفاوت‌های نسلی مهم‌ترین عامل در موافقت یا مخالفت پاسخگویان با رئیس‌جمهور شدن زنان است و به طور خلاصه می‌توان نتیجه گرفت که نسل‌های تازه بیشتر با رئیس‌جمهور شدن زنان موافقت تا نسل‌های پیشین. در واقع اگر شرایطی که در گرایش نسل‌های تازه مؤثر است پابرجا بماند، روند کلی به سوی موافقت بیشتر با رئیس‌جمهور شدن زنان خواهد بود. ■





# آیا خطاب دین فقط به مردان است؟!

در ظاهر متوجه مردان خواهد بود و زنان، مگر به دلیلی غیر از این خطاب، مشمول این امر نمی‌شوند.<sup>۳</sup>

فقیهان متأخر از شیخ مفید اکثراً در بحث قضاوت زنان موضوع پیاد شده را طرح و از خطاب‌های مذکر متون دینی، مخاطب مذکر را درمی‌آورند. در اینجا چون نقل کلام این بزرگان در این مقوله به درازا می‌کشد، از آن خودداری می‌کنیم.<sup>۴</sup>

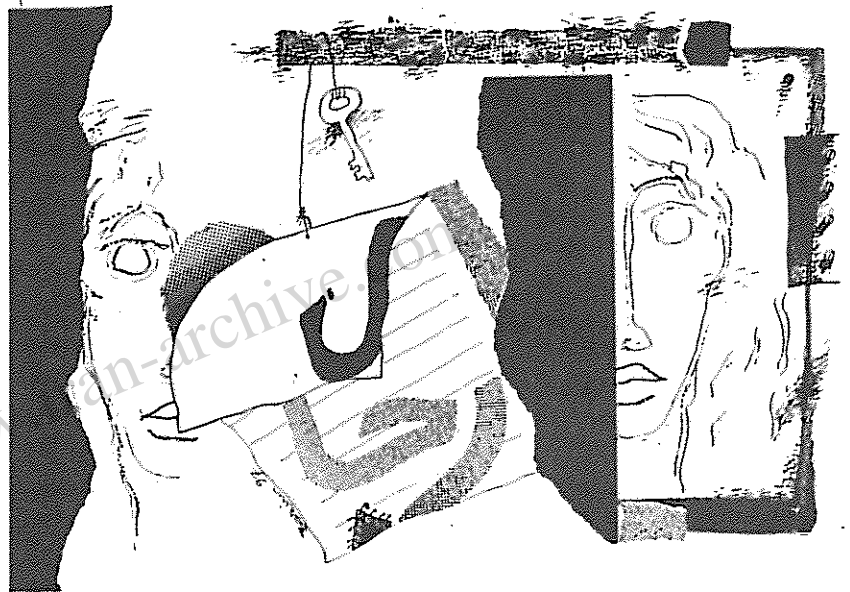
دلیل مرحوم مفید ظاهر خطاب است، حال آنکه همین ظاهر خطاب را مردم عصر حضرت محمد<sup>ص</sup> و همه اعراب دیده و شنیده‌اند اما چنین استیلائی نداشته‌اند.

## دیدگاه شمول

این دیدگاه نظریه جمع زیادی از فحول فقهایی اسلامی را شامل می‌شود، پژوهشگرانی که خطاب قرآن را خاص و منحصر به مردان ندانسته‌اند عبارتند از: مرحوم ابن ادریس، علامه حلی، قرطبی و بسیاری از نخبگان و سرآمدان فقه اسلامی. ابن ادریس می‌نویسد: «ان القرآن نزل علی لسان العرب و لغتها و مذاهبها و مخاطباتها و موضوع کلامها» (قرآن به زبان، لغت، سیره‌ها، روش‌ها، محاورات و مخاطبات و همچنین بر محور سخنوری عرب نازل شده است).<sup>۵</sup>

بنا به نظر ابن ادریس، که از دانشمندان عرب دنیای اسلام است، قرآن به زبان عربی و بر اساس فرهنگ و مقبولات و مضامین اعراب نازل شده و چون در این فرهنگ شیوه سخنوری مذکر ولی مفهوم عام است، قرآن نیز این شیوه را اتخاذ کرده است. از نظر اعراب اصلاً این مباحث مطرح نیست زیرا آنان بر مبنای فرهنگ خود جایی برای این سؤال نمی‌بینند. سؤال درباره شمول یا عدم شمول خطاب قرآن نسبت به زنان از سوی ایرانیان و کسانی طرح شده که با فرهنگ عرب آشنایی کامل ندارند.

این ادریس در جای دیگری از اثر پراچ خود صراحتاً در مورد این دیدگاه موضعگیری کرده است.<sup>۶</sup>



آنها می‌پردازیم.

## دیدگاه اختصاص

عده‌ای از فقیهان می‌گویند هرگاه در متون دینی امری از سوی شارع به لفظ مذکر صادر شود، تنها به مردان اختصاص می‌یابد و زنان در مأمور به دخالتی ندارند. در این مقاله این دیدگاه با عنوان اختصاص مطرح می‌شود و منظور اختصاص خطاب به مردان است.

دیدگاه اختصاص جنسیت را در بیان پیام‌های دینی دخیل می‌داند و از خطاب مذکر، مخاطب مذکر را استنباط می‌کند، چنان‌که مخاطبان مذکر را دلیل اختصاص به جنس مذکر دانسته است. در یکی از آثار منسوب به شیخ مفید (فوت ۴۱۳ ق)<sup>۷</sup> آمده است: «واذا ورد الأمر بلفظ المذكر مثل قوله «يا أيها الذين آمنوا» و «يا أيها المؤمنون و المسلمون» و شبهه فهو متوجه بظاهرة الی الرجال دون النساء و لا يدخل تحته شیئی من الاناث الا بدلیل سواه» (هر گاه امری با واژه‌های مذکر ادا شود، مثل این سخن خدا که «ای کسانی که ایمان آورده‌اید» یا «ای مؤمنان و ای مسلمانان» و... در این صورت، امر

مباحث مربوط به قرآن، که در اصطلاح اصولیان کتاب نامیده می‌شود، پراکنده، حساس و پرجنجال است. از جمله این مباحث مسئله پیام‌ها (خطاب‌ها)ی قرآن است. در میان اصولیان و فقیهان اسلامی این سؤال مطرح است که مخاطبان قرآن مردانند یا انسان‌ها، اعم از زن و مرد؟<sup>۱</sup> به عبارت دیگر، آیا لازمه خطاب مذکر است و آیا مخاطبان مذکر دامنه خطاب را به خود اختصاص می‌دهند؟<sup>۲</sup>

در پاسخ به سؤال مذکور دو نظریه اظهار شده است:

۱- نظریه کسانی که می‌گویند خطاب قرآن به مردان است و شمول آن برای زنان دلیل خاصی می‌طلبد. این گروه معتقدند که جنسیت در قرآن لحاظ شده است.

۲- نظریه کسانی که خطاب قرآن را عام و مرد و زن، هر دو، را مخاطب قرآن می‌دانند. این عده برای الفاظ رجل، مرء و افعال و ضمائر مذکر خصوصیتی قائل نمی‌شوند.

البته دامنه این اختلاف نظر به قرآن محدود نیست و شامل سنت نیز می‌شود. ما هر دو دیدگاه و دلایل آن را می‌آوریم و پس از آن به بررسی و نقد



مرحوم شهید فانی می‌نویسد: «خطاب قرآن شامل هر ظاهر الاسلامی می‌شود<sup>۷</sup> و هر کس که قرآن را می‌فهمد مخاطب قرآن محسوب می‌شود.<sup>۸</sup> قرطبی می‌نویسد: «خص ا... سبحانه و تعالی الاناث هنا بالخطاب علی طریق التأكيد فان قوله (قل للمؤمنین)، یکنی، لانه قول عام یتناول الذکر و الانثی من المؤمنین حسب کل خطاب عام فی القرآن» (در اینجا خدای سبحان و متعال زنان را فقط به سبب تأکید مخاطب قرار می‌دهد و الا این سخن خدا (به مؤمن‌ها بگو)، کفایت می‌کند زیرا سخن فراگیری است که شامل زن و مرد می‌شود، چنان‌که در همه جای قرآن چنین است.)<sup>۹</sup> از نگاه این مفسر فقهی - که اثر او از بهترین آثار دوره اسلامی و همواره مورد استفاده محققان است - خطاب قرآن عام است و امر شرع شامل همه زنان و مردان مکلف می‌شود و جنسیت در آن نقشی ندارد.

سخن فقیهان قائل به اختصاص این سؤال را پیش می‌آورد که مگر می‌شود دین فقط برای مردان باشد؟! دیدگاه اختصاص دقیقاً برخلاف قرآن، روایات، فرهنگ عرب و اعراب و همچنین برخلاف سیره عقلاست. اندک توضیحی خواننده را به عمق این دیدگاه توجه می‌دهد. دقت کنید:

### مخاطب قرآن

در قرآن مجید روی سخن با تمامی انسان‌هاست و هرگاه خطاب این کتاب مقدس به گروه خاصی بوده، صراحتاً و به اقتضای حال، نوع مخاطب قید شده است. اصل در کلام قرآن، توجه به مردم است و مخاطبان ویژه، استثنایی‌اند. حتی در قرآن واژه‌های رجل و مسرء (مرد) به جنس مذکر اختصاص ندارد. در سوره احزاب، آیه چهار، آمده است: «ما جعل... لرجل من قلیین فی جوفه» (خدا در وجود مرد دو قلب نیافریده است).

آیا می‌توان گفت واژه رجل دلیل بر آفرینش دو قلب برای زنان است یا این ویژگی مخصوص مردان است و شامل زنان نمی‌شود؟

در آیه ۳۷ سوره کهف می‌خوانیم: «اکفرت بالذی خلقک من تراب ثم من نطفة ثم سواک رجلاً» (آیا به کسی کافر می‌شوی که تو را از خاک آفرید، آن گاه از نطفه و سپس به صورت مردی راست قامت؟!)

ذکر لفظ رجلاً چه خصوصیتی دارد؟ آیا زنان از نطفه آفریده نمی‌شوند؟ آیا فقط مردان مستوی‌القامه‌اند؟

قائلان به اختصاص، درباره آیه چهار سوره تین: «لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم» (انسان را به زیباترین شکل ممکن آفریدیم). چه می‌گویند؟<sup>۱۰</sup>

آیات کریمه دیگری نیز مانند آیه ۳۰ سوره احزاب، آیه ۲۷ سوره نوره، و آیه ۲۷ سوره حج، علی‌رغم ذکر واژه رجل، به مردان اختصاص نمی‌یابد و شامل زنان نیز می‌شود زیرا در غیر

● «رجل» به معنای مذکر نیست. رجال مذهبی یعنی شخصیت‌ها و بزرگان مذهبی، چنان‌که علم رجال به معنی دانش شخص‌شناسی است و در این علم به نام زنان بسیاری برمی‌خوریم.

● در سوره حج داریم: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا». اگر رجلاً را مردان معنی کنیم، پس آیا فقط مردان باید دعوت حج را پاسخ دهند؟

این‌صورت مفهوم پیام قرآن با غرض شارع مخالف خواهد بود. در آیه ۴۰ سوره احزاب آمده است: «و ما كان محمد ابا احدٍ من رجالکم ولكن رسول الله» (محمد پدر شما نیست و لکن او فرستاده خداست).

اگر واژه رجالکم در آیه ۴۰ سوره احزاب خصوصیت داشته باشد، لازمه آن این است که حضرت محمد ص را پدر مردان ندانیم ولی پدر زنان بدانیم و یا آن که در خصوص زنان قائل به سکوت باشیم. بدها چنین استنباطی غلط است.

آیه ۲۷ سوره حج می‌فرماید: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا...». در سوره حج نیز با این تالی فاسد مواجه هستیم، یعنی اگر از واژه رجلاً استنباط شود که فقط مردان به دعوت حج پاسخ می‌دهند، حج بر زنان واجب نخواهد بود یا حداقل در مورد زنان نصی از قرآن بر وجوب دلالت نخواهد کرد. با این فرض اصولاً صدر و ذیل همین آیه متناقض خواهد شد.

همچنین در آیه ۴۰ سوره نبا: «یوم یُنظر المرء ما قدمت یداه» (روزی که مرد بنگرد از پیش چه فرستاده است). لفظ مرء مختص مردان نیست بلکه صفت همه کسانی است که به محشر می‌روند.<sup>۱۱</sup> قرآن به زبان و فرهنگ عرب و اعراب نازل شده است. گاهی مطلبی را در قالب محاوره دو مرد بیان می‌کند و حال آن که به مردان اختصاص ندارد. مثل آیات ۳۷ سوره کهف و ۶۲ سوره ص. گاهی نیز روی سخن با مردان است اما سخن برای آنان نیست. در احادیث و روایات نیز چنین شیوه‌ای به کار رفته است: واژه‌ها مذکر و صریح اما پیام و معنی عام و فراگیر است. همانند روایت معروفی که درباره دادرسی مسلمانان آمده است: «من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین فکم یجبه فلیس بمسلم» (هرکس فریاد دادخواهی مردی را شنید که مسلمانان را به فریاد دادرسی می‌خواند و پاسخ او را نداد مسلمان نیست).

### مخاطب روایات

در روایات به جملاتی برمی‌خوریم که صراحتاً از برابری زن و مرد سخن گفته و یا به شمولی خطاب تصریح کرده است. نمونه این روایات عبارتند از:

۱- روایت امام صادق ع درباره بیتوته بر بام خانه: «انه کره ان بییت الرجل علی سطح لیث علیة حجره و الرجل و المرأة فی ذلک سواء» (او خوابیدن شب هنگام مرد را تنها در پشت‌بام بدون دیوار و ساختمان کراهت دانست. زن و مرد در این

حکم [کراهت] یکسانند.) نقل حلبی در دو مورد<sup>۱۲</sup> به همین صورت، بیانگر تصریح خود امام ع است. اگر چنین نبود، مفاد سخن روشن می‌کرد که مخاطبان حدیث از بیان آن حضرت برابری دریافت داشته‌اند. این برداشت در طول تاریخ فقه و حدیث شیعه نقل شده و کسی لب به اعتراض نگشوده است.

در فرهنگ روایات به تبع قرآن (فرهنگ عرب) لفظ مذکر در مورد مؤنث نیز صادق است، به خصوص اگر به صورت تشبیه و جمع ذکر شود. امام صادق فرموده است: «ما من مؤمنین یجتمعان بنکاح حلال حتی ینادی مناد من السماء ألا ان... قد زوج فلانة من فلان» (هرگز دو مؤمن با نکاح حلالی جمع نمی‌شوند جز آن که منادی خدا از آسمان ندا می‌دهد ای مردم آگاه باشید که خدا فلان زن را به تزویج فلان مرد درآورد.)<sup>۱۳</sup>

در این حدیث لفظ مؤمن بر مذکر و مؤنث هر دو اطلاق شده بود. عبارت حدیث فلانه و فلان بود و حال آن که در صیغه تشبیه در قالب مذکر آمده بود. در روایات چندی از زبان حضرت محمد ص نقل شده که فرموده‌اند «الرجل و المرأة جزئین من جسد واحد و ان النساء نصف التوامن من الرجال» (مرد و زن چوونان دو جزء یک جسمند. زنان نیمه جدانشدنی مردانند.)<sup>۱۴</sup> با این توصیف، اختصاص پیام‌ها به مردان سخنی است دور از منطق و برخلاف متون دینی. در حدیث دیگری از ایشان نقل شده که فرموده‌اند: «ان... لا یُنظر الی سورکم» (خدا به شکل و قیافه ظاهری شما نمی‌نگرد.)<sup>۱۵</sup> وقتی خدا به ظاهر نمی‌نگرد، این‌همه ظاهریستی و تحجر چرا؟

قرآن کتاب هدایت بشر است، نه کتاب مردان. قرآن خود را به صفاتی چون نور معرفی می‌کند. این کتاب نمی‌تواند فقط مخاطب مذکر داشته باشد. آیات بسیاری از این کتاب الهی بر تساوی زن و مرد در اجر و پاداش و تکامل معنوی و غیره دلالت صریح، و به تعبیر خود مخالفان، ظهور در تساوی دارد. از این‌رو محدود کردن مخاطبان آن به جنس مذکر و سپس برای هر مردی به دنبال اقامه دلیل دوییدن، خلاف خود قرآن است. به صراحت خود قرآن، این کتاب آسمانی به زبان عربی است. پیامبران جملگی به زبان قوم خود سخن می‌گویند و زبان عربی دارای چنین خصوصیتی است.

در فرهنگ عرب، غلبه با واژه‌های مذکر است. بنابراین، برحسب اقتضای فرهنگ، به‌علاوه زمان و

مکان نزول خطاب و این که مخاطبان اغلب مردان بوده‌اند، جنسیت تأثیری نداشته است. آنچه اهمیت دارد، ارسال پیام است و بدیهی است که برای هر قوم و ملتی لزوماً باید از فرهنگ و زبان همان قوم کمک گرفت. الفاظ قالب و عنوان معانی‌اند. از طریق واژه‌ها، پیام‌ها منتقل و افکار و اندیشه‌ها عرضه می‌شود.

در منطق و اصول الفقه و دروس آکادمیک، مباحث دامن‌داری به این مقوله اختصاص یافته است و تا جایی که نگارنده اطلاع دارد، هیچ‌کس از دانشمندان در مقوله زبان و ابزار بودن آن برای معانی تردیدی نداشته‌اند. همه - از منطقی و ادیب گرفته تا اصولی و فیلسوف - متفق‌القولند که الفاظ عنوان معانی و آینه آن است.

بر این اساس، خطاب غیبی همان‌قدر معتبر است که خطاب شفاهی. مخاطب رودرو هیچ نقشی در خطاب ندارد. همچنین جنسیت مخاطبان نمی‌تواند لحن و فحوای خطاب را اختصاصی کند یا از مسیر تفهیم منحرف سازد. وضع روایات نیز مثل قرآن است، با همان بیانی که عرض شد.

### رجال در قانون اساسی

در اصل ۱۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، ملیر و ملبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.»

قانونگذار قانون اساسی، که همان قانونگذار دینی معرفی می‌شود، نمی‌تواند در دیدگاه‌های اصولی خود از فرهنگ قرآن و روایات پیروی نکند. فرهنگ ایرانی در طول ۱۳۱۷ سال گذشته شدیداً از فرهنگ عرب، فرهنگ قرآن و سنت اسلامی متأثر بوده و ضرب‌المثل‌ها، واژه‌ها و سنت‌های بسیاری را از اعراب وام گرفته است. از جمله این تأثیرپذیری‌ها یکی همین واژه رجل است. لفظ رجل به معنی مذکر نیست بلکه به علت

کثرت استعمال و به تبع همان فرهنگ قرآن و عرب، مفهوم شخص بزرگ را القا می‌کند. رجال مذهبی یعنی مقامات و بزرگان مذهبی، چنان‌که علم رجال به معنی دانش شخص‌شناسی است و در این علم به نام زنان بسیاری برمی‌خوریم.

در اصل ۱۱۵ دقیقاً به این نکته توجه و شرایط احراز پست ریاست جمهوری یک‌به‌یک قید و شمرده شده است. اگر دکورت شرط نامزدی ریاست‌جمهوری یا انتخاب و انتصاب بود، در شمار شرایط می‌آمد نه در متن این اصل.

مؤید دیگری که می‌توان برای اثبات این ادعا مطرح کرد این است که اگر مرد بودن شرط بود، این مفهوم باید با عبارت دکورت قید می‌شد نه رجال زیرا در تمامی متون فقهی و احیاناً در قوانین عادی از مردان به دکورت تعبیر می‌شود نه رجال.

در قانون شرایط انتخاب قضات، مصوب ۱۴ اسفند ۱۳۶۱، آمده است: «قضات از میان مردان واجد شرایط زیر انتخاب می‌شوند...»

در حالی که قانون اساسی واژه مردان را به کار نگرفته و از رجال به عنوان شخصیت‌های سیاسی و مذهبی سخن گفته است.

در قوانین عادی، مرد در برابر زن (ذکور در برابر اناث) می‌آید و از رجل استفاده نمی‌شود.

قانونگذاران فقه کشور (خبرگان قانون اساسی) به فرهنگ فقهی و حقوقی آشنایی داشته‌اند و واژه‌هایی را که انتخاب کرده‌اند همه حساب‌شده و با توجه به شیوه کاربرد، معنا و مفهوم و سابقه استعمال آنها بوده است.

تبادر و شوع استعمال، علایم حقیقتند. وقتی مردم از شنیدن کلمه رجل و رجال شخصیت‌های ممتاز و برجسته را به ذهن می‌آورند، دیگر هیچ جای ابهامی برای این برداشت باقی نمی‌ماند. واژه رجل و لفظ رجل اگر در همه‌جا چنین مفهومی نداشته باشد، در این اصل - با توجه به محتوای آن - این مفهوم را به ذهن متبادر می‌کند.

درست مثل واژه مرد و مردانگی که ترجمه شریعت عربی است، زنان نیز این واژه را با همجنسان خود به کار می‌برند و منظورشان مروت و محبت است نه مذکر بودن.

شغل ریاست جمهوری از نگاه قانون اساسی ماهیت قراردادی و وکالتی دارد. در اسلام و قانون اساسی ایران زنان از دخالت در این حوزه منع نشده‌اند. نهاد اداری ریاست جمهوری نهادی مستحدث و جدید است و پیش از این قرن در میان مسلمانان سابقه نداشته است. از این رو، نمی‌توان در خصوص این نهاد - با هويت وکالتی‌اش - حکم اسلام را به منع زنان استنباط کرد. به فرض این که زنان نتوانند از سوی شارع متولی امور اداره کشور شوند، انتخاب آنان از سوی مشرعه بلامانع است. عدم تفکیک ولایت از وکالت و انتصاب از انتخاب عامل عمده سوءبرداشت‌های فقهی است.

در هیچ‌یک از روایات و آیاتی که مخالفان حضور زنان طرح کرده‌اند بحث ناتوانی زنان طرح نشده است و اگر چنین باشد، قابل قبول نیست زیرا شریعت نمی‌تواند در امور تکوینی دخالت کند و با فرض و اعتبار، هويت تکوینی زنان را تغییر دهد.

همچنین شریعت فرضیه‌ساز و تئوری‌پرداز نیست و باز به فرض قبول این ادعا، ارزش آن نسبی و تا زمانی خواهد بود که تئوری جدیدی ابراز نشود یا تئوری‌های پیشین ابطال نگردد. نتایج علوم نشان می‌دهد که تئوری‌های هزار سال قبل یا باطلند یا برای نیازهای امروز بشر کارایی ندارند.

در فرهنگ عرب فقط مخاطب مذکر رسمیت دارد، نه مخاطب مرد. خطاب‌ها همه مذکر است زیرا بر تئوری‌ها، زمینه‌ها، منشأها و رسوم ویژه‌ای استوار است. فرهنگ اعراب خدا را نیز مذکر می‌خوانند. عرب‌ها داستان آفرینش را به گونه‌ای تفسیر می‌کنند که اصل در آفرینش را به جنس مذکر

می‌دهد. با چنین اندیشه‌هایی طبیعی است که واژه‌ها و خطاب‌ها نیز مذکر باشد. از نگاه عرب هر چیزی از طریق ذکر به انشی می‌رسد. آب، خانه، غذا، فرهنگ، زبان، ملیت و... و روشن است که قرآن نمی‌توانست خارج از این فرهنگ و این ساختار اجتماعی با اعراب روبرو شود. مگر نه این که در بلد امر، این کتاب از آسمان برای هدایت عرب نازل شد؟ پس چگونه می‌توانست خارج از دادوستدهای کلامی اعراب پیام‌رسانی کند؟

### رَد صلاحیت زنان از سوی شورای نگهبان

برخی به خطا پنداشته‌اند که رد صلاحیت کاندیداهای زن به لحاظ مانع قانونی (منع مفهومی) بوده است. از نگاه این عده رد صلاحیت از سوی شورای نگهبان به معنای تفسیر لفظ رجال به مردان است در حالی که این برداشت نادرست است زیرا رد صلاحیت می‌تواند مصداقی باشد. یعنی شورای نگهبان آن زنان را شخصیت سیاسی و مذهبی ندانسته - چنان‌که آن‌ها همه مردان را - نه این که رجال را به مردان تفسیر کرده باشد

یادداشت‌ها:  
۱- به‌طور یقین این سؤال درباره آیاتی که طیف ویژه‌ای از مخاطبان را دارد، مطرح نیست. بنابراین شامل آن تعداد از آیات قرآنی که درباره زن یا مرد نازل شده و از خصوصیات هر یک یا از احکام مخصوصشان سخن گفته، نمی‌شود.

۲- براساس نظریه‌ای که در متن مقاله آمده است شیخ مفید را نباید عرب دانست یا در انتساب آن کتاب به ایشان تردید کرد زیرا در فرهنگ عرب، موضوع از مسلمات و بدیهیات است.

۳- التذکوة باصول الفقہ، ج ۹، شیخ مفید، چاپ قم، کنگرة هزاره، ص ۳۱

۴- میحث قضاوت و اجتهاد و تقلید در ابواب فقه و اصول از جمله جواهر الکلام، ج ۴۰

۵- الشرائع، چاپ قم، ج اول، ص ۴۵۶

۶- همان کتاب، ص ۷۸ و ۷۹

۷- الوضحة البهیة، ج ۲، ص ۱۴۵

۸- همان‌جا، ص ۲۱۱ (در بیانات امام خمینی (ره) نیز این جمله را دیده‌ام).

۹- التلخیص لاحکام القرآن، ج ۱۲، ص ۲۲۶

۱۰- نگارنده به آیاتی مثل آیه ۷۸ سوره هود توجه دارد. این آیه کریمه به لحاظ آن‌که در داستان لوط آمده، مخاطب خودش را دارد. لوط از گناهان و زشتکاری‌های مردان است و طبعاً، مخاطب مردانند.

۱۱- در آیات دیگری مثل ۱۲۴ انفال و ۲۴ عیسوا واژه سوره بدون تأثیر جنسیت (مذکر) به کار رفته است.

۱۲- وسائل الشیعه، شماره ۵ و ۶، باب ۷ از باب‌های احکام المساکین، ج ۲، ص ۵۶۸، چاپ اسلامیة تهران

۱۳- مستنوک الوسائل، چاپ آل‌الیت، ج ۱۲، ص ۱۵۴

۱۴- اسلام در زندان انبیا، شوقی ابوخلیل، ترجمه حسن اکبری مرزناک، ص ۲۴۸، چاپ تهران، بعثت، ۱۳۵۵

۱۵- تذکرة الاولیاء، ص ۴۲، چاپ تهران، چکامه ۱۳۶۱

# تفسیر «رجال» باید حقوقی

۱. اگرچه مکتب تفسیر تحت‌اللفظ متون قانونی روزگاری در بخش‌هایی از جهان رواج یافته بود ولی امروزه در کمتر مکتب حقوقی می‌توان نشان آشکاری از بقای آن یافت. خاصه آن‌که در تاریخ فقه شیعه و حقوق ایران اگر گاه بارقه‌هایی از سیطره این مکتب یا امثال آن روشن شده، به دلایل متعدد به‌زودی رو به افول و خاموشی گذاشته است. از جهاتی مکتب اخباری‌گری را که دو سه قرن پیش از این نضج گرفت می‌توان در این باب مثال آورد. پیروان این مکتب، که با انتقادات مکرر و عمیق مکتب اصولی رو به اضمحلال گذاشت، به اصرار بر آن بودند که فقط باید به ظاهر عبارات قانون (شرع) توجه کرد و شایسته نیست که در تفسیر حتی اندکی بیش از آنچه در لفظ عبارت قانون آمده است اندیشید و آنچه در تفسیر ضابطه و ملاک اعتبار است فقط الفاظ قوانین است و پس.

تفسیر تحت‌اللفظ قوانین در رسیدن به روح قانون و استدراک فلسفه و اهداف آن ناتوان است و علاوه بر این قادر نیست قانون را - بی‌آن‌که متن آن را تغییر دهد - با تفسیر همپای تحولات اجتماعی پیش براند، برای همین متروک شده و دیگر در کمتر مواردی است که بتوان با کلید آن به حل مشکلات تفسیر قوانین نائل آمد.

۲. کانون مناقشات و محل نزاع در تفسیر اصل ۱۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی، کلمه «رجال» است. وجود این کلمه سبب شده است تا گروهی از اهل فقه و حقوق فقط با استناد به ظاهر کلمه «رجال» و بدون هر استدلال حقوقی یا فقهی محکم و دقیق، «مرد بودن» را شرط ریاست جمهوری در ایران بدانند. چنین تفسیری عمده‌تاً ملهم از همان مکتب تفسیر تحت‌اللفظ و مکتب اخباری است که به سایر جهات و ابزارهای تفسیر قانون اساسی کشور به دیده تسامح و گاه انکار می‌نگرد و حتی عرف و عادات را نیز در تفسیر خود دخالت نمی‌دهد. خاصه آن‌که به دلیل تازگی نهاد ریاست جمهوری در تاریخ حیات جوامع اسلامی، و خصوصاً شیعه که مرکز جهانی آن ایران است، هیچ سابقه‌ای از جواز یا عدم جواز ریاست جمهوری

زنان و انحصار آن برای مردان در سلسله احکام و فتاوی مجتهدان و فقیهان مقدم و متأخر شیعه یافت نمی‌شود.

به هر حال، پرسش این است که آیا مطلق کلمه «رجال» در اصل ۱۱۵ بیانگر وجود شرط مرد بودن برای ریاست جمهوری کشور است؟

۳. رجال، جمع رجل، واژه‌ای عربی است. در زبان و ادب عرب، در بسیاری موارد، برای خطاب عموم از جمع مذکر استفاده می‌شود. برجسته‌ترین و والاترین متن عربی که در این مورد مثال‌های فراوانی در آن وجود دارد، قرآن شریف است. در آیات بی‌شماری از قرآن که عموماً مسلمانان را مورد خطاب قرار داده، از جمع مذکر استفاده شده است؛ بی‌آن‌که تفکیک میان زن و مرد مورد نظر خدای تعالی بوده یا آن‌که فقط مردان را مورد خطاب قرار داده باشد. در این آیات خطاب‌هایی مانند «یا ایها الذین آمنوا»، «یا ایها المسلمون»، «یا ایها المؤمنون» و امثال اینها به کار رفته و در اغلب موارد، در آیاتی که در مقام بیان احکام بوده و قصد تفکیک میان زن و مرد وجود داشته، از دو خطاب جداگانه مذکر و مؤنث استفاده شده است؛ مانند «المؤمنون و المؤمنات» و «یا المسلمون و المسلمات» و...

زبان و ادب پارسی دارای خصوصیات دستوری و بلاغی مستقل و مخصوص به خود است و خصوصاً به دلیل عدم تفکیک مذکر و مؤنث در افعال و اسامی عام در فارسی این خصوصیت کلمه‌های جمع عربی که به ادب پارسی منتقل شده، رعایت می‌شود. به این دلیل معنای کلمه‌ای که در ظاهر ناظر به مردان است، در مقام جمع شامل زن و مرد، هر دو شده است. به عنوان مثال کلمه اطباء، به معنای پزشکان، مذکر و جمع طیبیب است. با این حال وقتی گفته می‌شود اطباء، زن پزشک را نیز دربرمی‌گیرد.

۴. گفتیم که در مورد شرط جنسیت در ریاست جمهوری سابقه‌ای در فقه شیعه وجود ندارد. از موضوع‌ها و احکام مشابه، که مربوط به اشتغال به مشاغل اجتماعی توسط زنان باشد، عمده‌تاً مسئله

قضاوت است که بنا به نظر مشهور، خاص مردان است و زنان از اشتغال به قضاوت ممنوعند. این قول اگرچه مورد اجماع فقها نیست و گروهی از فقیهان آن را نمی‌پذیرند اما در هر حال بنا به اعتقاد طرفداران آن مستند به نص اخباری است که از معصوم به دست رسیده است. بنابراین از لحاظ منطق حقوق و با توجه به این‌که در حال حاضر نظام حقوقی ایران بر اساس فتاوی مشهور فقیهان شیعه استوار شده است، ممنوعیت زنان از اشتغال به قضاوت قابل استدلال و احتجاج است؛ اگرچه نظرهای مخالف آن نیز، هم به لحاظ فقهی و حقوقی و هم از حیث مصالح اجتماعی متین و قوی‌اند.

اما در مورد ریاست جمهوری، به عنوان یک نهاد مدرن و موضوعی جدید، و شرط جنسیت در آن، نه نصی وجود دارد و نه فتوایی. آشکار است که اگر هم یک یا چند فتوا بر منع ریاست جمهوری زنان وجود داشته باشد، نمی‌تواند نظام حقوقی را متأثر کند زیرا نظام حقوقی کشور اصولاً مبتنی بر فتاوی مشهور است نه فتوای نادر و کمیاب.

استنباط حکم ریاست جمهوری زنان در قیاس با قضاوت آنان نیز مردود است؛ چه علاوه بر آن‌که قیاس از نظر شیعه مردود است، اصولاً شرایط قیاس، که جای ذکر آن اینجا نیست، در این مسئله وجود ندارد.

۵. بنا بر آنچه گفته شد، برای تفسیر اصل ۱۱۵ و فهم معنای «رجال» در این اصل می‌بایست به سایر منابع حقوق و فقه مراجعه کرد. از جمله این منابع، عرف و اوضاع و احوال اجتماعی است. در فقه و تاریخ آن نیز عرف همواره یکی از منابع مهم و معتبر شمرده می‌شده است چنان‌که احکام امضایی، که شمار آنها در مجموعه احکام فراوان است، خود بیانگر قبول عرف از سوی شارع مقدس است. از این حیث واژه «رجال» از دو جهت قابل تأمل است:

نخست آن‌که در عرف اهل لغت، رجال به معنای مطلق «بزرگان» است چنان‌که در فرهنگ معین و لغتنامه دهخدا نیز چنین آمده است.



# آتلیه زنان

شماره آن گونه که  
شایسته‌اید معرفی می‌کند

## طرح و اجرای:

نشانه، سربرگ، پاکت، کارت  
ویزیت، بروشور، کاتالوگ، پوستر،  
بسته بندی، برچسب، صفحه آرایه  
و روی جلد کتاب و نشریه،  
تصویرسازی، انواع تقویم و  
سررسید نامه، آگهی تبلیغاتی،  
غرفه نمایشگاه، عکاسی خبری،  
تبلیغاتی و معماری، عکاسی از  
محافل فرهنگی و اجتماعی،  
ساخت فیلم های تبلیغاتی و مستند،  
۳۵ میلیمتری و یوماتیک و بتاکم

نشانی: میدان هفتم تیر - روبروی کریمخان  
زند - ضلع شمالی بانک ملی - کوچه صارم -  
شماره ۷۵ - طبقه دوم - تلفن: ۸۸۳۳۲۴۹

## پوش و تصحیح

در شماره گذشته، تصاویر مقاله «با این حرکات  
ورزشی صورت می‌توانید فراتر بروید» در بخش  
فنن جایزه شده بود که با پوش از شما عزیزان  
آن را تصحیح می‌کنیم.

تصویر شماره ۵ مربوط به توضیح شماره ۶ بود.  
تصویر شماره ۶ مربوط به توضیح شماره ۵ بود.  
تصویر شماره ۷ مربوط به توضیح شماره ۲ بود.  
تصویر شماره ۸ مربوط به توضیح شماره ۳ بود.

# باشد، نه سیاسی!

دوم آن‌که در عرف اهل سیاست و فرهنگ و علم، رجال به کسانی اطلاق می‌شود که دارای شخصیت بارز و شناخته شده و مستحکم در یکی از رشته‌های علمی یا سیاست باشند.

۶. قانون اساسی خود ضابطه‌های دیگری دارد که شاید بهتر از هر منبع دیگری در این بحث یاری می‌رساند. مروری بر برخی اصول بنیادین قانون اساسی در این زمینه بسی راه‌گشا است.

بنابر بند ۴ از اصل سوم قانون اساسی، که در مقام توضیح بخشی از وظایف دولت نسبت به ملت است، «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌ها» به عنوان تکلیفی برای دولت جمهوری اسلامی شمرده شده است. به طور خلاصه، منظور از تبعیض ناروا در این بند، برتری دادن فرد یا گروهی از مردم بر دیگران است بدون آن‌که قانون مجوزی برای آن داده باشد. اصل بیستم نیز به روشنی و صراحت اعلام می‌دارد که «همه افراد ملت، اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.» و نیز مطابق با اصل بیست و یکم «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین کند...»

در تمام این اصول بر تساوی حقوق زن و مرد بر اساس قوانین موضوعه و موازین اسلام تأکید شده است. به عبارت دیگر، طبق قانون اساسی اصل بر تساوی حقوق زن و مرد است مگر خلاف آن ثابت شود.

حال، چنان که گفته شد، در فقه شیعه فتوا با دلیلی که بیانگر ممنوعیت اشتغال زن به امر ریاست جمهوری باشد در دست نیست. بنابراین، به دلیل سکوت فقه در این بحث، نمی‌توان گفت که مجاز دانستن ریاست جمهوری زنان در جمهوری اسلامی خلاف موازین اسلام است.

در متون قانونی نیز عبارت یا دستوری که به صورت صریح زنان را از اشتغال به سمت ریاست جمهوری منع کرده باشد وجود ندارد و ملاحظه شد که واژه رجال در اصل یکصد و پانزدهم نیز مجمل

است و بنا به اعتقاد اکثریت حقوقدانان و علمای اصول برای فهم آن می‌بایست به سایر منابع مراجعه کرد. علاوه بر عرف، اصول قانون اساسی نیز تأکید بر تساوی حقوق زن و مرد دارد. به عبارت دیگر، از آنجا که اصل بر تساوی حقوق زن و مرد است، برای تفسیر واژه مجمل رجال در اصل ۱۱۵ باید به اصل تساوی مراجعه کرد. نتیجه آن‌که این واژه مشمول اصل تساوی زن و مرد در امر ریاست جمهوری و شامل هر دو جنس زن و مرد می‌شود.

۷. تحولات اجتماعی جامعه معاصر ایران حاکی از رشد روزافزون نقش زن در حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه امروز ایران است. تفسیر اصل ۱۱۵ قانون اساسی، مانند هر قانون دیگری، نمی‌تواند فارغ از این قبیل واقعیت‌های عینی باشد. افزایش تعداد دانش‌آموزان و دانشجویان و دانش‌آموختگان زن، تصدیق مسئولیت‌های مختلف علمی و فرهنگی و اجتماعی زنان در کشور و... گویای آن است که امروزه زن یک عنصر فعال اجتماعی، مانند مرد، است که به خوبی توانایی قبول مسئولیت‌های بزرگ اجتماعی را نیز دارد.

آنچه برای پذیرش کارهای بزرگ، در علم یا سیاست یا فرهنگ یا... ملاک است، شایستگی‌های فردی است نه مطلق جنسیت. چه بسا زنانی که در کارهای اجتماعی شایستگی بیشتری نسبت به مردان نشان داده و حتی مورد قبول جامعه نیز واقع شده‌اند. نمایندگان زن که امروز در مجلس شورای اسلامی وظیفه نمایندگی شهر خود را بر عهده دارند، تماماً در وقایت با مردانی که مدعی شایستگی بیشتر بوده‌اند، از سوی مردم برگزیده شده‌اند. پس قبول و اقبال عمومی حکایت دیگری را عرضه کرد. چه دلیلی وجود دارد که زنان برای احراز سمت نمایندگی مجلس واجد صلاحیت باشند ولی برای ریاست جمهوری نه، حال آن‌که هر دو سمت از جهات متعدد یک ماهیت دارند.

عدم باور به اصول بنیادین حقوق و واقعیت‌های اجتماعی در تفسیر قوانین نتیجه‌ای جز جدایی قانون از متن زندگی روزمره مردم به بار نخواهد آورد.

# جد پدری ولایت دارد، مادر ولایت ندارد!

مهرانگیز کار

صالح و شایسته نمی‌شناسد و بر پایه قانون و به بهانه حفظ مصالح، نسبت به آنها اجحاف روا می‌دارد.<sup>۱</sup>

در مقاله حاضر، چون هدف فقط آموزش حقوق است، از نقد موضوع صرف‌نظر می‌شود و روش‌های قانونی برای رفع مشکلات قانونی در خصوص مواد ۱۰۴۳ و ۱۰۴۴ قانون مدنی آموزش داده می‌شود. برای این منظور، آموزش را در دو فرض که مبتلا به جمعی از دختران جوان است، پی می‌گیریم:

## به این نکات توجه کنید

۱- اجازه و رضایت پدر یا جد پدری برای درستی نکاح دختر رشید کافی است. اگر جد پدری نکاح را اجازه دهد، به اجازه پدر نیاز نیست و چنانچه پدر اجازه دهد، جلب رضایت جد پدری ضرورت ندارد.

۲- نظر و عقیده مادر هیچ نقشی در امر نکاح فرزندان، حتی فرزندان صغیر، ندارد. در مواردی که پدر و جد پدری در دسترس نیستند یا از دادن رضایت خودداری می‌کنند، مادر نمی‌تواند ایفاگر نقش بشود. زیرا قانونگذار در مورد ازدواج فرزندان به نظر مادر بها نداده و با سکوت خود بر ناقص‌العقل بودن او صحه گذاشته است.

۳- از نگاه قانونگذار، پسران ۱۵ ساله حتی از دختران تحصیل کرده و مثلاً ۲۵ ساله‌ای که هنوز ازدواج نکرده‌اند، عاقل‌تر و سنجیده‌تر هستند و آن قدر صلاحیت و شایستگی دارند که به آنها اجازه داده شده بدون اجازه پدر و جد پدری با هر کس دلخواه‌شان است پیوند زناشویی ببندند اما دختران فاقد درایت و پختگی و قوه تمیز تشخیص داده شده‌اند و دستور داده شده است که دختران در هر شرایط سنی و تحصیلاتی و تجربه‌ای که هستند، با رضایت پدر یا جد پدری عقد زناشویی ببندند و در غیر این صورت پدر یا جد پدری می‌تواند موجبات ابطال عقد را فراهم کند.

جلوگیری کنند، دختر چاره‌ای ندارد جز آن‌که علیه پدر و جد پدری در محاکم قضایی طرح دعوی کند. این اقدام تبعات زیانبار خانوادگی، عاطفی و اجتماعی در پی دارد.

الفاظ این ماده قانونی گویای آن است که قانونگذار ایرانی در امر حساس قانونگذاری به تفاوت جنسیتی بیش از اصل برابری انسان‌ها و مقتضیات اجتماعی امروز کشور بها داده است؛ ماده ۱۰۴۴ قانون مدنی، مصوب ۱۳۷۰ نیز در تکمیل موضوع دستور داده است: «در صورتی که پدر یا جد پدری در محل حاضر نباشند و استیذان از آنها نیز عادتاً غیرممکن باشد و دختر نیز احتیاج به ازدواج داشته باشد، وی می‌تواند اقدام به ازدواج نماید.

تبصره - ثبت این ازدواج در دفترخانه منوط به احراز موارد فوق در دادگاه مدنی خاص می‌باشد.» بنابراین، در یک جمع‌بندی کلی، می‌توان گفت: ۱- قانونگذار برای مادر، که نزدیک‌ترین دلسوزترین فرد نسبت به فرزند دختر است، کمترین اختیار قانونی در امر انتخاب داماد قائل نشده و حداقل حقوق را از وی دریغ داشته است. از نگاه قانونگذار، حتی در مواردی هم که ولی قهری غایب است یا بدون دلیل موجه از اعلام رضایت خودداری می‌کند، مادر شایسته آن نیست تا به جای آنها (پدر و جد پدری) تصمیم‌گیری کند. قانونگذار در موارد غیبت ولی قهری یا امتناع او، فقط دادگاه را برای تصمیم‌گیری صالح شناخته است.

۲- قانونگذار برای پسران در سن ۱۵ سالگی آن قدر عقل و سنجیدگی و پختگی قائل شده که به آنها آزادی و اختیار مطلق برای انتخاب همسر داده است، حال آن‌که برای دختران در هر سنی که باشند - در صورت باکره بودن - عقل و تجربه و سنجیدگی و قدرت تمیز خوب و بد را به رسمیت نشناخته است. اما، برخلاف نظر قانونگذار، همگان یقین دارند که دخترها در شرایط مساوی از نظر سنی و خانوادگی، مال‌اندیش‌تر از پسران همسال خود هستند و بیش از آنها جانب عقل و احتیاط را نگاه می‌دارند. لذا، نگرش قانونگذار ایرانی نسبت به زنان، اعم از آن‌که در سکوت مادر باشند یا دختر رشید، همتی بر تبعیض جنسیتی است و به طور کلی افراد مؤنث را، حتی در سنین رشد و در مقام مادر

قرامان این بود که در این بخش به آموزش حقوق برداریم اما در جریان بررسی قوانین به موارد تبعیض‌آمیزی می‌رسیم که آگاهی از آنها لازم و نقدشان ضروری می‌نماید. این موارد نه به نفع زنان است، نه به نفع جامعه.

این بار نیز با بررسی ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی درمی‌یابیم که پدر و جد پدری بر دختر رشید ایرانی ولایت دارند اما مادر از هیچ حقی در این مورد برخوردار نیست. ■

به موجب قوانین ایران، پسر همین‌که ۱۵ ساله می‌شود (به سال هجری قمری)، می‌تواند بدون رضایت ولی (پدر یا جد پدری) با دختر دلخواه خود ازدواج کند. اما دختر، حتی بعد از ۱۸ سالگی (به سال هجری شمسی)، تا زمانی که باکره است، نمی‌تواند با مرد دلخواه خود پیمان زناشویی ببندد، مگر با اجازه و رضایت پدر یا جد پدری که در زبان فقهی و حقوقی «ولی قهری» نامیده می‌شوند. به عبارت دیگر، قانون تأکید کرده است اگر دختر رشید باکره باشد، ولایت ولی قهری نسبت به او در امر انتخاب همسر در جریان اولین ازدواج به قوت خود باقی است. به این معنا که اگر پدر یا جد پدری همزمان با وقوع عقد نکاح در محل حضور نداشته باشند و دختر اجازه کتبی یکی از آنها را به عاقد ارائه نکنند، صیغه عقد جاری نمی‌شود و اگر عقد بدون رضایت پدر یا جد پدری جاری شود و مراتب در دفاتر ثبت گردد، آنها می‌توانند در مراجع قضایی کشور طرح دعوی کنند و خواهان ابطال عقد نکاح بشوند زیرا طبق ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی، مصوب ۱۳۷۰ شمسی: «نکاح دختر باکره، اگر چه به سن بلوغ رسیده باشد، موقوف به اجازه پدر یا جد پدری اوست.» البته، به موجب همین ماده قانونی: «هر گاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند، اجازه او ساقط است و در این صورت دختر می‌تواند - با معرفی کامل مردی که می‌خواهد با او ازدواج کند و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده - پس از اخذ اجازه از دادگاه مدنی خاص به دفتر ازدواج مراجعه و نسبت به ثبت ازدواج اقدام نماید.» به این ترتیب، چنانچه پدر و جد پدری بدون دلیل موجه از ازدواج دختر رشید خود



## فرض اول

دختر رشید (دختر ۱۸ ساله یا دختری که پیش از رسیدن به ۱۸ سالگی حکم رشد از دادگاه صالحه گرفته است) می‌خواهد با مرد شایسته‌ای ازدواج کند ولی نمی‌تواند رضایت پدر یا جد پدری خود را به عاقد و سردقتر ارائه دهد. در این فرض دختر جوان می‌تواند به نزدیک‌ترین مجتمع قضایی مراجعه کند و ضمن استفاده از نظرات مشورتی واحد ارشاد مستقر در آنجا، اوراق اظهارنامه و دادخواست را خریداری نماید. در نخستین مرحله، دختر باید رسماً پدر را مخاطب قرار دهد و در اظهارنامه، در ستون مربوطه، مرد موردنظر خود را معرفی کند. در صورتی که جد پدری او نیز در قید حیات باشد، باید به همان ترتیب اظهارنامه‌ای تنظیم و به نشانی جد پدری نیز ارسال دارد. در اظهارنامه‌ها باید مشخصات مرد موردنظر، از نظر سن، سواد، شئون خانوادگی، شغل، سابقه و درآمد ماهیانه، و مهریه و شرایطی که راجع به آن توافق شده است درج شود. چنانچه پدر و جد پدری بعد از ابلاغ اظهارنامه همچنان از اعلام رضایت خودداری کنند، دختر می‌تواند با ذکر این مطالب روی اوراق چاپی دادخواست و بعد از الصاق تمبر قانونی، آن را در دفتر دادخواست، در مجتمع قضایی مربوطه به ثبت برساند. اگر دادگاه پس از رسیدگی به خواسته دختر، تقاضای او را موجه تشخیص دهد، به قائم‌مقامی از طرف پدر و جد پدری اجازه لازم را صادر می‌کند و در اختیار او قرار می‌دهد تا بدون رضایت و اجازه ولی قهری به نکاح مرد موردنظر خود درآید. نمونه فرم دادخواست چنین است:<sup>۲</sup>

دادخواست اجازه ازدواج دختر به لحاظ مضایقه اجازه پدر یا جد پدری

خواهان: (دوشیزه..... با ذکر مشخصات)  
خواننده: (پدر یا جد پدری..... با ذکر مشخصات)  
بهای خواسته: صدور اجازه ثبت ازدواج به لحاظ مضایقه از اجازه  
دلایل: ۱- فتوکی شناسنامه ۲- اظهارنامه ابلاغ شده ۳- فتوکی شناسنامه همسر آینده

شرح دادخواست:  
ریاست محترم دادگاه

نظر به این که آقای خواننده با وجود ابلاغ اظهارنامه ارسالی اینجانب، مبنی بر معرفی کامل مردی که می‌خواهم با او ازدواج دائم با صداق و شرایط معرفی شده در آن اظهارنامه نمایم، بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه می‌کند، لذا اجازه او ساقط شده است و

تقاضای صدور حکم نسبت به خواسته بالا را دارم.

با تجدید احترام  
امضای دوشیزه خواهان

## فرض دوم

دختر رشید (دختر ۱۸ ساله یا دختری که پیش از رسیدن به ۱۸ سالگی حکم رشد از دادگاه صالحه گرفته است) می‌خواهد با مرد موردنظر خود ازدواج کند اما به ولی قهری (پدر یا جد پدری) دسترسی ندارد. در این فرض هم دختر می‌تواند با تکمیل فرم دادخواست زیر علیه پدر و جد پدری طرح دعوی کند و طبق مفاد ماده ۱۰۴۴ قانون مدنی، مصوب ۱۳۷۰، اجازه لازم را از دادگاه کسب کند. نمونه فرم دادخواست چنین است:<sup>۳</sup>

دادخواست اجازه ازدواج دختر به لحاظ غیرممکن بودن اجازه از پدر یا جد پدری

خواهان: (دوشیزه..... با ذکر مشخصات)  
خواننده: (پدر یا جد پدری.... با ذکر مشخصات) (مجهول المكان)  
بهای خواسته: صدور اجازه ثبت ازدواج به لحاظ غیرممکن بودن استیذان از خواننده  
دلایل: ۱- فتوکی شناسنامه

شرح دادخواست:  
ریاست محترم دادگاه

چون پدر اینجانب متأسفانه چندین سال است به خارج از کشور مهاجرت نموده و ظاهراً پناهنده شده و عادتاً به لحاظ عدم امکان مسافرت او به ایران و همچنین عدم امکان صدور اجازه کتبی که بتوان موافق با مقررات به تصدیق اعضای کنسولگری سفارت



● قانونگذار برای مادر کمترین اختیار قانونی در انتخاب داماد، حتی در غیبت ولی قهری، قائل نشده است.

جمهوری اسلامی ایران در کشور محل اقامت وی رسانید، استیذان از پدر غیرممکن است و از طرفی به لحاظ جلوگیری از احتمال بروز هرگونه فساد اخلاقی احتیاج به ازدواج دارم. علی‌هذا تقاضای صدور حکم نسبت به خواسته بالا را می‌کنم.

با تجدید احترام  
امضای دوشیزه خواهان

به این ترتیب، هر چند دختران رشید ایرانی به حکم قانون از انتخاب آزادانه همسر محروم شده‌اند اما می‌توانند با استفاده از قانون و ضمن مراجعه به مراجع صالحه قضایی - در صورتی که دادگاه مرد مورد نظر آنها را موجه و واجد شرایط لازم تشخیص دهد - موانع قانونی را از سر راه بردارند و ازدواج کنند. البته تردیدی نیست که پیمودن این راه برای دختران دشوار و پرحادثه است.

امیدواریم که ارکان و نهادهای قانونگذاری کشور با شناخت نیازهای امروز دختران جوان و با توجه به حضور بی‌وقفه و گسترده آنها در فعالیت‌های اجتماعی، اصلاح مواد ۱۰۴۳ و ۱۰۴۴ قانون مدنی را وجه همت خود قرار دهند و بیش از این بر نگرش مردسالار و جزم‌گرای که پشتوانه این‌گونه قوانین است اصرار نورزند. وقت آن است که اصلاح در مبانی فکری زمینه‌ساز اصلاح در قوانین شود و ضمن بازنگری در قوانین، اصلاح قوانین راجع به حقوق زن در اولویت قرار گیرد ■  
یادداشت‌ها:

- ۱- این مسئله قابل نقد است و نویسنده در جای دیگری به تفصیل به آن می‌پردازد.
- ۲- از کتاب مجموعه قوانین و مقررات راجع به خانواده، تدوین غلامرضا حججی اشرفی، گنج دانش، ص ۲۶۳
- ۳- از همان منبع، ص ۲۶۴



عکس: لاله شرکت

تهمینه میلانی بسیار شبیه فرشته دیگه چه خوب است؛ پر شروشور (هرچند، به رغم وجود شر در این ترکیب، شرور نیست)، خیالپرداز و عاشق کارهای نو و جسورانه. در هر جمعی که وارد شود، فضا را تحت تأثیر قرار می‌دهد و کمتر طاقت می‌آورد که حرف و نظرش را پنهان کند. در روزگاری که بیشتر آدم‌ها احتیاط را شرط عقل می‌دانند (آسته برو، آسته بیا، کلاحت را دو دستی نگه دار که باد نبرد و چیزهایی در حول و حوش جهت وزش باد)، حتی احتیاج هم شیر درون او را روبه مزاج نمی‌کند چون خوشبختانه به نان سینما احتیاجی ندارد!

فیلم اولش کمتر نشانی از این ویژگی‌ها را در خود داشت و بیشتر وجه احساسات‌گرایی شخصیت او را به نمایش می‌گذاشت اما از فیلم دوم به بعد بیشتر شبیه خودش شد. او، پس از توقیف فیلم آخرش، ماه‌هاست که در تلاش برای ساخت فیلم تازه است و هنوز نتوانسته مجوزهای لازم را بگیرد. قرار گذاشتیم که درباره همین چیزها و البته چیزهای دیگر با او گفت‌وگو کنیم. آن‌قدر - به قول مفسران فوتیال - با به توپ، و حاضر به پراق است که اغلب منتظر سؤال نمی‌ماند و گاهی جواب چند سؤال را در پاسخ به یک سؤال می‌دهد. به همین دلیل گاهی ناچار می‌شدیم حرف‌هایش را برای طرح سؤالی قطع کنیم. به هر حال، آنچه می‌خوانید، پاسخ‌های او به پرسش‌های دو همکار مجله زنان است که ناچار شدیم بخش‌هایی از آن را به تناسب صفحات مجله و ملاحظات دیگر اندکی فشرده و خلاصه کنیم. هر چند هیچ نوع تنظیم و کتابتی نمی‌تواند لحن و کلام دلنشین و تندوتیز او را مستقل کند. ❧

گفت‌وگو با تهمینه میلانی، فیلمساز

# تحمل حرف ناحق ندارم

- تعادلی که باعث شود ما بتوانیم رو در رو، راحت و براساس اعتقاد و اندیشه مستقل حرف بزنیم، به‌طور کلی وجود ندارد.
- تا پیش از سفر اخیرم به آلمان نمی‌دانستم که وضع فیلمسازی در اروپا تا این حد نامطلوب است.
- در ایران بعضی از روزنامه‌ها راحت به ما مارک غرب‌زده و منحط می‌زنند و در خارج از ایران هم مارک سرسپرده و مرتجع.

